

ابراهیم رئیسی نماینده مردم ایران نیست، او نماینده جنایت کاران و مسئول انگیزاسیون در ایران است!

ابراهیم رئیسی یکی از مسئولان اصلی قضایی شریک در جنایت های حکومت اسلامی ایران در طی سال های حکومت اش از ابتدا تا هم اکنون بوده است. او عضو هیات مرگ در قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ بود و متهم به جنایت علیه بشریت است و به جای نشستن بر مسند ریاست جمهوری کشور ویران شده ایران، باید محاکمه و مجازات شود!

ابراهیم رئیسی خودش بهتر از هر کسی می داند که چه جنایت هایی مرتکب شده است و به همین دلیل به شکل حضوری در سازمان ملل حضور نیافت چون به شدت وحشت دارد که عاقبتی چون حمید نوری و دیگر جنایت کاران در سایر کشورها را داشته باشد. آزادی و عدالت و امنیت برای جمهوری اسلامی یعنی حمایت مطلق از نظام فاشیستی جمهوری اسلامی ایران. حکومتی که ذره ای به آزادی و عدالت اعتقاد ندارد. آن ها مردم را برای ساده ترین خواست های حق طلبانه شان به گلوله می بندند. حتی اگر نخواهیم به سال های دور برویم در همین سال ها در ۲ سال پیش در آبان سال ۱۳۹۸، صدها زن و مرد را در خیابان های تهران و شهرستان ها در اعتراض به گرانی بنزین تورم و بیکاری، به گلوله بستند و هزاران نفر را زندانی کرده و شکنجه دادند. در دی ماه همان سال (۸ ژانویه ۲۰۲۰) نیز ۱۷۲ مسافر پرواز ۷۵۲ را در آسمان ایران با شلیک گلوله زدند و قطعه قطعه کردند و به جای پاسخگویی به خانواده های معترض و دادخواه، آن ها را مورد تعرض و تهدید و بازداشت قرار می دهند. در ۲ ماه پیش به مردم خوزستان برای اعتراض به بی آبی حمله کردند و حداقل ۹ نفر از معترضان را کشتند و تعداد زیادی از آن ها را زخمی و بازداشت کردند و اینترنت در بسیاری از این شهرها قطع شده است. هم اکنون نیز کافی است به زندان های ایران، بخصوص زندان های شهرستان ها سری بزنید. تعداد بیشماری از زندانیان سیاسی با حبس های سنگین محبوس اند و زنان در این زندان ها نیز با شکنجه های مضاعف روبرو هستند، زیرا زنان در حکومت اسلامی جنس دوم هستند و شکنجه جنسیتی مجاز و حلال است. این آزادی و عدالت ابراهیم رئیسی و دیگر همدستان جنایت کار اوست که مردم ایران را زیر آوار آن له کرده اند.

بی تردید آمریکا و دیگر کشورهای سلطه گر مساله شان تنها و تنها منافع خودشان است و من با تحریم ایران و دیگر کشورها به شدت مخالف هستم، ولی از سازمان ملل و کشورهای عضو حقوق بشر سازمان ملل می خواهم که چشم شان را بر نقض سیستماتیک حقوق بشر در ایران و جنایت های این حکومت ظالم که مصداق جنایت علیه بشریت است نبندند. تأسف بار اینکه ما تنها از حکومت ظالم و سلطه گر ایران آسیب نمی بینیم، بلکه سلطه گری دیگر حکومت ها نیز زندگی ما را سیاه کرده است و سازمان ملل در این مورد مسئول است. هم چنان که هم اکنون در افغانستان شاهد آن هستیم که سال ها حکومت های سلطه گر زندگی مردم افغانستان را به یغما بردند و حالا نیز طالبان کپی برابر اصل حکومت ایران قدرت را در دست گرفته است و اول از همه زنان را مورد تعرض قرار می دهند. کاری که در جمهوری اسلامی ایران بلافاصله پس از کسب قدرت سیاسی انجام دادند. روح الله خمینی رهبر وقت در ۱۶ اسفند ۱۳۵۷ گفت: زنان باید با حجاب به بیرون بروند و تعرض ها به زنان مجاز شمرده شد و هزاران زن شجاع ایرانی در ۸ مارس همان سال در اعتراض به این تبعیض و بی عدالتی به خیابان آمدند و این اعتراض ها ۶ روز به طول کشید. در افغانستان نیز زنان شجاع در اعتراض به تبعیض ها و بی عدالتی های طالبان شجاعانه به خیابان می آیند و اعتراض می کنند.

من به عنوان یکی از مادران و خانواده های دادخواه خاوران که ۶ عزیزم، خواهرم زهرا بهکیش و ۴ برادرم محمدرضا، محسن، محمود و محمدعلی بهکیش و سیامک اسدیان همسر خواهرم را در دهه شصت به طرق مختلف یا در زندان ها و زیر شکنجه یا در بیرون از زندان ها کشتند و به جای پاسخگویی ما

خانواده‌های معترض و دادخواه را مدام مورد اذیت و آزار قرار می‌دهند، به سازمان ملل و کشورهای عضو حقوق بشر سازمان ملل به شدت معترض هستم که چرا چشم‌شان را بر جنایت‌های ایران که تا هم‌اکنون در زندان‌ها و بیرون از زندان‌ها ادامه دارد، می‌بندند. من از مردم آزاده جهان می‌خواهم که صدای اعتراض ما را به سراسر دنیا برسانند و حکومت‌های خود را مورد پرسش قرار دهند.

هم‌اکنون دادگاه محاکمه حمید نوری در استکهلم در جریان است و ۲ برادر عزیزم محمود و محمدعلی به‌کیش که پیشتر در دادگاه‌های ناعادلانه حکومت اسلامی ایران به ۱۰ و ۸ سال زندان محکوم شده و ۵ سال از حبس خود را گذرانده بودند را به همراه چند هزار زندانیان سیاسی مجاهد و کمونیست دیگر با فتوای روح‌الله خمینی و به جرم دفاع از عقیده‌شان در بیدادگاه‌هایی که هیچ نشانی از دادگاه در آن نبود و تنها با تفتیش عقاید و انگیزاسیون، پشت درهای بسته کشتند و در گورهای جمعی خاوران و دیگر گورهای بی‌نام و نشان مدفون کردند و ما خانواده‌ها تا به امروز ما هنوز نمی‌دانیم که عزیزان ما را به چه حقی و چگونه کشتند و در کجا مدفون کرده‌اند و خاوران و دیگر گورستان‌های بی‌نام‌شان را بارها با بولدوزر زیر و رو کردند تا آثار جنایت‌های‌شان را پاک کنند.

در ایران هر روز شاهد اعتراض‌ها، اعتصاب‌ها و تجمع‌های گسترده در اعتراض به فقر، بیکاری، بیماری، گرانی و نبود حداقل‌های زندگی برای معیشت، آموزش، بهداشت و هم‌چنین نبود آزادی بیان و دموکراسی و تبعیض، بی‌عدالتی و نابرابری‌های شدید اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. تجمع بازنشستگان و مستمری‌بگیران در ۱۵ فروردین ۱۴۰۰ در شهرهای مختلف تهران، کرج، تبریز، اهواز، مشهد، اصفهان، اراک، رشت، نیشابور، اردبیل، ایلام و غیره انجام شده است و هم‌اکنون چند نفر از بازنشستگان با احکام سنگین در زندان هستند و تعدادی دیگر احضار شده‌اند. مطالبات آن‌ها اعتراض به نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی است که چرا نمی‌توانند از یک زندگی انسانی و عادلانه برخوردار شوند. آن‌ها شعار می‌دهند: "حقوق ما ریالی‌ه؛ هزینه‌ها دلاری‌ه"، "کارگر زندانی، معلم زندانی، آزاد باید گردد"، "زحمتکش‌شان دیروز، معترضان امروز"، "گرامی، آزاد باید گردد"، "نه تهدید، نه زندان، دیگر اثر ندارد"، "کشتی بازنشسته، چرا به گل نشسته؟"، "این همه بی‌عدالتی، هرگز ندیده‌ام ملتی"، "ما دیگه رأی نمی‌دیم، از بس دروغ شنیدیم"، "فقط کف خیابون، بدست میاد حق‌مون"، تاحق خود نگیریم از پانمینشینیم.

اطمینان دارم، دیری نخواهد پایید که مردم جان‌به‌لب رسیده و فعال در جنبش‌های مستقل اجتماعی که هم‌اکنون در شهرهای مختلف ایران در اعتراض و اعتصاب هستند، با اتحاد و همبستگی با همدیگر، تمام زندانیان سیاسی را آزاد خواهند کرد و این جنایت‌کاران را به جایی که لیاقت‌شان است خواهند فرستاد. البته امیدوارم تجربه سال ۵۷ تکرار نشود و تمامی آمران و عاملان شریک در جنایت‌های ۴۳ ساله جمهوری اسلامی ایران در دادگاه‌های علنی، عادلانه و مردمی در داخل ایران برای جنایت‌های بی‌شمارشان محاکمه و مجازات شوند (مجازات‌های غیر از اعدام)، و با کشف حقیقت و ساختن دنیایی انسانی و عادلانه بتوانیم جلوی تکرار جنایت را بگیریم و در آزادی و شادی نفس بکشیم.

منصوره به‌کیش

یکم مهر ۱۴۰۰